

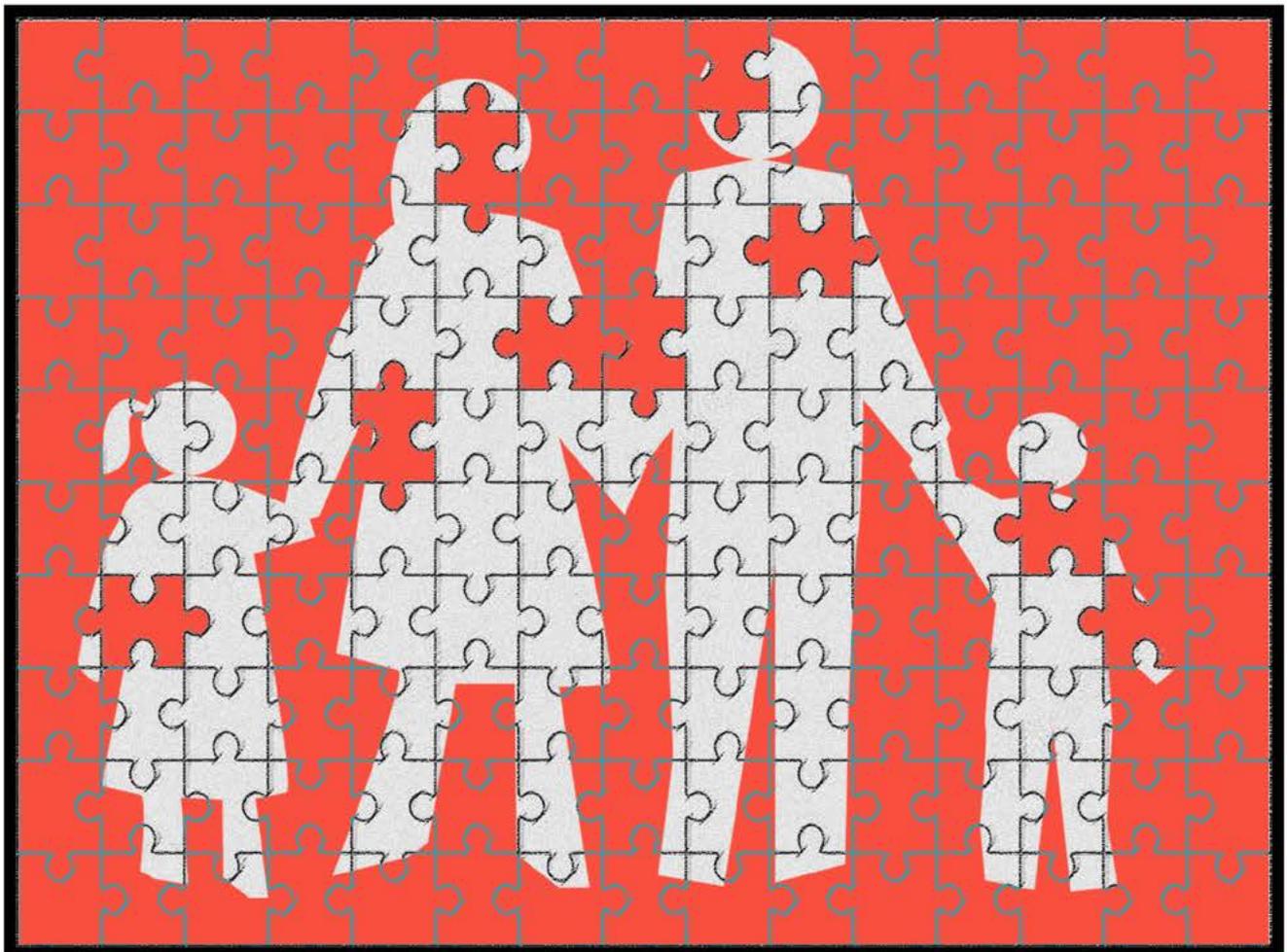
ما از عدالت سهمی داریم  
سازمان حقوق بشر ایران

سال سوم شماره ۶۵

۲۳ مهر ۱۳۹۶ / ۱۵ اکتبر ۲۰۱۷



اعلامیه حقوق بشر اسلامی در بوته نقد



## ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: کامبیز غفوری

تحریریه: فیروزه رمضان زاده، نقی محمودی، میلاد پورعیسی

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

مشاور حقوقی: محمد اولیایی فرد

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

اعلامیه حقوق بشر اسلامی و حقوقی «مشروط» به «احکام شریعت»

شیرین عبادی: حقوق بشر اسلامی نتوانست عملکرد مثبتی داشته باشد

حقوق بشر، پسوند پذیر نیست

در حقوق بشر اسلامی، خدا تنها منبع قانون گذاری است

حقوق بشر اسلامی؛ امکان ها و پیامدها

گفت و گو با گیتی پورفاضل و محمد صالح نیکبخت

عبدالکریم لاهیجی: اعلامیه حقوق بشر اسلامی به تاریخ پیوسته است

مواد اعلامیه حقوق بشر اسلامی

# اعلامیه حقوق بشر اسلامی و حقوقی «مشروط» به «احکام شریعت»



کامبیز غفوری

«تمام افراد بشر آزاد زاده شده‌اند و در حرمت و حقوق با هم برابرند؛ هر فردی سزاوار و محق به زندگی، آزادی و امنیت فردی است؛ «هیچ احدی نباید در بردگی یا بندگی نگه داشته شود...» این جملات، بخش‌هایی از اعلامیه جهانی حقوق بشر هستند؛ اعلامیه‌ای که تمامی انسان‌ها، فارغ از دین، نژاد، جنسیت یا ملیت، مشمول آن می‌شوند.

پایه صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر، فجایی بود که جامعه انسانی قرن‌ها به دلایل دینی و نژادی به خود دید و یکی از نقاط اوج تاریخی آن، به جنگ جهانی دوم، خونین‌ترین درگیری میان انسان‌ها در تاریخ، منتهی شد. جنگ جهانی دوم به قدری دهشتناک بود که غالب اندیشمندان، سیاستمداران و کنش‌گران را واداشت تا راه حلی برای زیست مسالمت‌آمیز آدمیان در کنار یکدیگر، فارغ از دین، نژاد، جنسیت و ملیت، بیابند.

تفاوت دین، یکی از پایه‌های کشتار نازی‌ها بود. با این حال، نیم قرن پس از ظهور اعلامیه جهانی حقوق بشر، نمایندگان کشورهای اسلامی در قاهره جمع شدند تا اعلامیه دیگری را به تصویب برسانند: «اعلامیه اسلامی حقوق بشر» در مقدمه این اعلامیه، آمده است:

«یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبایل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقاکم.

دولت‌های عضو سازمان کنفرانس اسلامی با ایمان به پروردگار جهانیان و آفریدگار کائنات و بخشنده نعمت‌ها، خداوندی که انسان را به بهترین وجه آفریده و به او حیثیت داده و وی را خلیف خود در زمین گردانیده، خداوندی که آبادانی و اصلاح زمین را بر عهده بشر گذارده و امانت تکالیف الهی را بر گردن او نهاده و آنچه در آسمان‌ها و زمین است همگی را تحت تصرف وی قرار داده، و با تصدیق رسالت محمد صلی الله علیه و آله که خداوند ایشان را به هدایت و آیین راستین فرستاده و وی را رحمتی برای جهانیان، و آزادگری برای بردگان و شکننده‌ای برای طاغوت‌ها و مستکبران گردانیده است،



کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران  
Islamic Human Rights Commission  
لجنه الحقوق الانسان الاسلامیه فی ایران  
www.ihrc.ir

باشد و نه زبانی.

ضمن تأکید بر نقش تمدنی و تاریخی امت اسلامی که خداوند آن را بهترین امت برگزید تا این امت یک تمدن جهانی همگون را به بشریت تقدیم نماید، تمدنی که می‌تواند دنیا را به آخرت ربط داده و علم و ایمان را بهم بیونند. لذا از چنین امتی امروزه انتظار می‌رود که به هدایت بشریت گمراه در امواج و مسلک‌هایی که در حال رقابت متضاد هستند اقدام نموده و راه‌حلی برای مشکلات مزمن تمدن مادی ارائه دهد.

و به جهت ایفای سهم خود در تلاش‌های بشری که مربوط به حقوق بشر است - حقوقی - که هدفش حمایت بشر در مقابل بهره‌کشی و ظلم بوده و تأکید بر آزادی و حقوق او در حیات شرافتمندانه‌ای دارد که با شریعت اسلامی هماهنگ است.

با اعتقاد به این که بشریتی که در بالاترین درجات علم مادی رسیده است، پیوسته و در هر زمان نیازمند تکیه گاهی ایمانی جهت پاسداری از تمدن خود و عامل حمایت کننده از حقوق خویش است.

و با ایمان به این که حقوق اساسی و آزادی‌های عمومی

در اسلام جزئی از دین مسلمانان است، پس هیچ احدی به طور اصولی حق متوقف کردن کلی یا جزئی یا زیر پا نهادن یا چشم پوشی کردن از احکام الهی تکلیفی که خداوند از راه کتاب‌های خود نازل نموده و خاتم پیامبرانش را فرستاده و به وسیله او پایان و اختتامی برای رسالت آسمانی به عمل آورده است، ندارد. بنابراین مراعات آن‌ها، عبادت است و کوتاهی از آنها یا تجاوز بر آنها منکر است و هر انسانی به طور منفرد، مسؤول پاسداری و اجرای آن است و امت به گونه‌ای هماهنگ در تضمین (مشترک) در قبال آنها، مسؤولیت دارد. بدین جهت، دولت‌های عضو سازمان کنفرانس اسلامی بر این اساس، مواد زیر را اعلام می‌نمایند: «مواد اعلامیه حقوق بشر را می‌توانید در صفحه آخر مجله بخوانید.»

در مقایسه با اعلامیه جهانی حقوق بشر که بر تمامی افراد بشر تأکید داشت، اعلامیه فوق بر «ایمان به پروردگار» و «توحید ناب» تأکید دارد و در گام اول، انسان‌های خداناباور، ندانم‌گرا یا غیر موحد را به حساب نمی‌آورد. مقدمه این اعلامیه، مسلمانان را «بهترین امت» می‌شمارد.

همچنین در این اعلامیه ۲۵ ماده‌ای، دو ماده آخر بر «مشروط» بودن «کلیه حقوق و آزادی‌های» مندرج در آن با «احکام شریعت اسلامی» تأکید می‌کنند و شریعت را «تنها مرجع برای تفسیر یا توضیح هر ماده از مواد این اعلامیه» می‌خوانند. البته مشخص نشده که نسخه کدام‌یک از فرقه‌های متعدد اسلامی، برای احکام شریعت اسلامی، در اختلاف احتمالی در شرح و تفسیر بندهای این اعلامیه، مرجع است.

اما اعلامیه اسلامی حقوق بشر چرا به وجود آمد؟ موضع جمهوری اسلامی ایران نسبت به این اعلامیه چه بوده است؟ آیا اعلامیه اسلامی حقوق بشر توانست جایی - حتی در سیستم حقوقی کشورهای امضاءکننده - پیدا کند؟ آیا توانست به بهبود وضعیت حقوق بشر در کشورهای اسلامی منجر شود؟ نکات ضعف و قدرت آن نسبت به اعلامیه جهانی حقوق بشر چیست؟ آیا می‌توان حقوق انسان‌های مختلف را بر مبنای تفاوت دین، جدا از هم دانست؟ آیا حقوق انسان‌ها در کشورهای اسلامی باید با سایر نقاط جهان تفاوت داشته باشد؟ یا حقوق بشر، امری جهان‌شمول است؟

مجله حقوق ما نظر شش حقوق‌دان را در این باره جويا شده است.

## شیرین عبادی: حقوق بشر اسلامی نتوانست عملکرد مثبتی داشته باشد



فیروزه رمضان زاده

۵۷ کشور اسلامی عضو سازمان کنفرانس اسلامی در ۲۱ ژوئیه ۱۹۹۰ در قاهره گرد هم آمدند و بیانیه‌ای ۲۵ ماده‌ای را با عنوان «اعلامیه حقوق بشر اسلامی» تدوین کردند؛ اما با وجود تصویب این اعلامیه در بیشتر کشورهای اسلامی، از جمله جمهوری اسلامی ایران، نقض حقوق بشر به اشکال مختلف در این کشورها به وقوع می‌پیوندد. برای مثال، ایران در رتبه دوم جهانی از نظر تعداد اعدام‌های سالانه و همچنین یکی از پنج زندان بزرگ جهان برای روزنامه‌نگاران است.

شیرین عبادی، برنده جایزه صلح نوبل و رئیس کانون مدافعان حقوق بشر، در مورد پیشینه تدوین و تصویب اعلامیه حقوق بشر اسلامی به «حقوق ما» گفت: «بعد از انقلاب ۱۳۵۷ در کنفرانس سران کشورهای اسلامی که در قاهره برگزار شد، اعلامیه اسلامی حقوق بشر به تصویب رسید و باید بگویم که یکی از کشورهایی که بسیار تلاش می‌کرد این اعلامیه تهیه و تصویب شود، دولت ایران بود.»

او افزود: «علت این امر هم این بود که دولت ایران به علت نقض مستمر حقوق بشر بعد از انقلاب و فجایعی که در دهه ۶۰ در ایران اتفاق افتاد، به شدت مورد انتقاد بین‌المللی بود و برای این که پاسخی به انتقادات بحق و بجای جامعه بین‌الملل داشته باشد، استناد می‌کرد به نسبیت فرهنگی و می‌گفت ما مسلمان هستیم و ضوابط حقوق بشر برای کشورهای اسلامی قابل اجرا نیست و ما بایستی حقوق بشر خودمان را داشته باشیم. به دنبال این فکر نادرست، وزرای امور خارجه کشورهای اسلامی در قاهره، اعلامیه اسلامی حقوق بشر را تصویب کردند.»

برنده جایزه صلح نوبل، اعلامیه حقوق بشر اسلامی را از چندین جهت، نادرست و مشکل ساز می‌داند و می‌افزاید: «اگر مسلمانان به خودشان اجازه می‌دهند که به مناسبت مذهبی که دارند اعلامیه جداگانه‌ای بنویسند، بنابراین برای پیروان سایر ادیان هم بایستی [این حق را] قائل باشند و از این پس شاهد اعلامیه بودایی حقوق بشر، اعلامیه یهودی حقوق بشر، اعلامیه هندویی حقوق بشر و هزاران اعلامیه حقوق بشر دیگر



او در ادامه به موضوع جهانشمول بودن اعلامیه جهانی حقوق بشر تأکید می‌کند: «همان طوری که گفتم حقوق بشر، جهانشمول است و قابل انطباق با هر فرهنگ و مسلک و مرامی برآمده از مذاهب مختلف و کشورهای اسلامی در جوامع اسلامی باید خودشان را با این ضوابط وفق بدهند و از سوی دیگر با تفسیر درستی از اسلام می‌بینیم که کاملاً می‌توانیم به این ضوابط عمل کنیم و احترام بگذاریم.»

برنده جایزه صلح نوبل با تأکید بر این موضوع که ایران به خاطر سیاست خارجی غلطی که در پیش گرفته است، اساساً روز به روز بیشتر منزوی می‌شود، به حمایت بی دریغ ایران از بشار اسد و سرپوش گذاشتن بر روی بزرگترین جنایت قرن، یعنی کشتار مردم بی‌گناه سوریه و تحریک شیعیان سایر کشورها از جمله نیجریه، بحرین، یمن و عربستان اشاره می‌کند که باعث انزوای دولت ایران در عرصه بین‌المللی شده است.

به گفته وی، «اصولاً ایران برخلاف آرزویی که از سال ۱۳۵۷ داشت که رهبر جهان اسلام شود، روز به روز از این آرزو فاصله بیشتری می‌گیرد، به خاطر سیاست‌های غلط داخلی و خارجی، بنابراین لیدر جهان اسلام، ایران نیست. ایران دست و پا می‌زند برای این که در زمینه نقض حقوق بشر، استدلالی برای خود بیابد و در این ارتباط، متمسک می‌شود به ضوابط حقوق بشر اسلامی و اعلام می‌کند: «ما اعلامیه جهانی حقوق بشر را قبول نداریم بلکه اعلامیه اسلامی حقوق بشر را قبول داریم.» به همین دلیل هم نهادی در ایران تأسیس کرده‌اند به نام «حقوق بشر اسلامی» که در زمان ریاست آقای یزدی در قوه قضاییه تأسیس شد و آقای ضیائی‌فر به عنوان مدیر اجرایی، سال‌هاست که این نهاد را اداره می‌کند و بسیار جالب است بگویم که اولین محلی که دولت ایران برای حقوق بشر اسلامی تأسیس کرده بود، یک آپارتمان صادره‌شده بود واقع در ساختمان دوما در انتهای بلوار آفریقا؛ یعنی حقوق بشر اسلامی سال‌ها در یک ساختمان صادره‌ای و غصب‌شده دفتر داشت و البته بعدها برای دادن وجهت بیشتر به این نهاد، آن را به یک ساختمان دولتی دیگر منتقل کردند.

به هر حال حقوق بشر اسلامی هیچ وقت نتوانست جای خودش را باز کند و عملکرد مثبتی داشته باشد؛ چرا که معتقد به مبنای درستی نیست. مبنای عمل، بایستی اعلامیه جهانی حقوق بشر باشد بنابراین حقوق بشر اسلامی ایران هم چون بر سکوی غلطی بنا شده است، هیچ‌وقت نتوانست وظیفه خودش را به درستی انجام دهد.»

دارد. بنابراین، هم از جهت نظری و هم از جهت عملی و هم از جهت تبعیض‌هایی که برای مسلمانان می‌تواند داشته باشد، صد در صد با اعلامیه حقوق بشر اسلامی مخالف هستیم و آن را یک امر بیهوده و عبث می‌دانم.»

عبادی در ادامه معتقد است: «اساساً حقوق بشر اسلامی در جهان جا نیفتاد، حتی کشورهای اسلامی هم دیگر بعد از چند سال خجالت می‌کشیدند به این اعلامیه استناد کنند اما وضعیت دولت ایران فرق می‌کرد؛ چون دولت ایران روز به روز بیشتر مرتکب نقض حقوق بشر می‌شد، کسانی مانند محمد جواد لاریجانی که ظاهراً مدعی حقوق بشر هم هستند، در کمال شهامت به سازمان ملل متحد می‌روند و با افتخار اعلام می‌کنند: «بله! ما سنگسار می‌کنیم چون در شریعت اسلام آمده است.» در حالی که می‌دانیم سنگسار در بیش از ۹۵ درصد از کشورهای اسلامی منسوخ شده و فقط کشورهای معدودی مثل ایران و عربستان سعودی سنگسار را اجرا می‌کنند یا قصاص یا بریدن دست دزد، فقط ایران و عربستان سعودی و احیاناً چند کشور دیگر مثلاً یمن و جیبوتی ممکن است این مجازات‌ها را اجرا کنند اما در بیش از ۹۰ کشور اسلامی این مجازات‌ها از بین رفته است.»

باید باشیم و در چنین شرایطی اساساً دیگر حقوق بشر و حقیقت نهفته در آن محو می‌شود. از جهت عملی نیز به نفع کشورهای اسلامی نیست؛ زیرا اگر همت کشورهای اسلامی بر از بین بردن حقوق بشر باشد، در این میان آن حکومت و مردمی ضرر می‌کنند که مسلمان هستند زیرا آن‌ها ضعیف‌تر هستند. وقتی قرار باشد رابطه‌ای برای این رفتار وجود نداشته باشد، آن کشور ضعیف‌تر ضرر می‌کند و از جهت مبانی نظری هم باید بگویم که اعلامیه حقوق بشر و ضوابط آن برآمده از فرهنگ‌ها و افکار انسانی و قابل انطباق با هر مذهب و مرام و فرهنگی است و نسبیت فرهنگی در ضوابط حقوق بشر مطلقاً جایی ندارد، یعنی ما نمی‌توانیم یک عده از مردم را به حال خود رها کنیم و بگویم می‌توانیم سنگسار بکنیم؛ می‌توانیم قطع دست دزد داشته باشیم، می‌توانیم هر زندانی عقیدتی را به جرم ارتداد، بکشیم زیرا مذهبی که ادعا می‌کنید این چنین می‌گوید، بر شما حکومت می‌کند.»

رئیس کانون مدافعان حقوق بشر تأکید کرد: «در عین حال فراموش نکنید که جهان اسلام بسیار متنوع است، بیش از یک میلیارد مردم جهان مسلمان هستند و اسلام براساس تفسیری که از مذهب ارائه می‌شود، در هر کشوری رنگ و بوی خاصی

# حقوق بشر، پسوند پذیر نیست



نقی محمودی

نمایندگان کشورهای عضو سازمان ملل متحد، در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ در پاریس، اعلامیه جهانی حقوق بشر را در ۳۰ ماده تدوین و تصویب کردند. اعلامیه جهانی حقوق بشر، به فاصله سه سال پس از جنگ جهانی سوز دوم جهانی، با تأکید بر آگاهی و درک کامل از فجایع جنگ جهانی دوم و تلاش در جهت ممانعت از بروز جنگ مشابه جهانی دیگر و رفع تبعیضات، اجحافات و نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اتنیکی، مذهبی، نژادی، جنسیتی و... به تصویب رسید.

همچنین، تأکید بر آزادی بیان و برابری حقوقی انسان‌ها، فارغ از تمایزات مختلف اعم از نژاد، جنسیت، رنگ پوست، مذهب، عقاید سیاسی یا هر عقیده دیگر، خاستگاه طبقاتی، اجتماعی، ملی و جغرافیایی در ماده دو اعلامیه مذکور مورد تأکید قرار گرفته و در روح آن موج می‌زند.

هر چند شش کشور اتحاد جماهیر شوروی، یوگسلاوی، چکسلواکی، آفریقای جنوبی و عربستان سعودی در زمان رأی‌گیری به این اعلامیه رأی ممتنع دادند و به این لحاظ، اعلامیه مذکور برای الزام‌آور بودن نیاز به توافق بین‌المللی داشت که این توافق بین‌المللی، پس از نزدیک به دو دهه تلاش و کارزار، در سال ۱۹۹۶ با تصویب ۱۴۸ کشور، برای کلیه اعضای سازمان ملل متحد، الزام‌آور شد.

پس از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، به تدریج و به تأسی از اعلامیه مذکور، میثاق‌ها و کنوانسیون‌های مختلفی از قبیل کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، کنوانسیون ژنو، کنوانسیون حقوق پناهندگان، کنوانسیون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی، قومی، دینی و زبانی و ... تلاش کردند تا در تعاقب و همسوئی با اعلامیه جهانی حقوق بشر، به صورت اختصاصی و با قید تمام جزئیات و تفصیل، به بسط و تعمیم مفاهیم حقوق بشر در عرصه‌ها و اشکال مختلف



موضوع کشور متبوعش را در مورد اعلامیه جهانی حقوق بشر، چنین بیان کرده است: این اعلامیه، یک «برداشت سکولار نسبی‌گرایانه از فرهنگ یهودی - مسیحی» است که نمی‌تواند توسط مسلمانان و بدون تجاوز نسبت به قوانین اسلامی، اجرا شود.

متعاقب تصویب اعلامیه اسلامی حقوق بشر، «کمیسیون حقوق بشر اسلامی» به ریاست محمد یزدی (رئیس وقت قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران) و به دبیری محمد حسن ضیایی فر تأسیس و شروع به فعالیت کرد. تأسیس «کمیسیون حقوق بشر اسلامی» تنها یکی از موارد تلاش حاکمان جمهوری اسلامی ایران، به سرپوش گذاشتن بر عملکرد ضد حقوق بشری، نقض صریح، فاحش و سیستماتیک حقوق بشر و استنکاف از پاسخ‌گویی در داخل کشور و خارج از کشور در مجامع بین‌المللی، خاصه شورای حقوق بشر سازمان ملل است.

نمایندگان کمیسیون مذکور و سایر افراد مسوول در زمینه نقض حقوق بشر، به توجیه عملکرد حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با اعمال مجازات‌های غیر انسانی مثل شلاق، سنگسار، قطع انگشتان دست، اعدام (به ویژه در مورد افرادی که در حین ارتکاب جرم به سن بلوغ نرسیده بودند)، قطع دست و پا در مورد اتهام افساد فی الارض و محاربه و همچنین تبعیض علیه زنان در زمینه ارث و شهادت و تبعیض علیه افراد منتسب به باورهای مذهبی غیر شیعه اثنی عشری، می‌پردازند.

به باور من، استدلال جمهوری اسلامی و سایر کشورهای اسلامی در عدم قبول اعلامیه جهانی حقوق بشر، بی وجه و فاقد مبنای عقلانی و عقلانی است. چرا که اگر مسلمانان بتوانند بر اساس آموزه‌های دینی و اعتقادی خود، اعلامیه حقوق بشر خاصی تدوین، تصویب و اجرا کنند، باب چنین حقی برای پیروان سایر ادیان و حتی ایدئولوژی‌ها، گشوده می‌شود و در نهایت چنین وضعی، باعث تضییع حقوق انسان‌ها و همچنین زحمات چندین و چند ساله کوشندگان حقوق بشر و اندیشمندان خواهد شد.

است. همچنین اعلامیه مذکور، به‌عنوان واکنش اسلامی به اعلامیه جهانی حقوق بشر محسوب می‌شود. اعلامیه اسلامی حقوق بشر در ۲۵ ماده تنظیم و تصویب شده و در ماده ۲۴ آن قید شده که کلیه حقوق و آزادی‌های مندرج در اعلامیه، مشروط به مطابقت با شریعت اسلامی است.

برخی از کشورهای اسلامی نظیر جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی و سودان به کرات اعلامیه جهانی حقوق بشر را به خاطر عدم در نظر گرفتن زمینه‌های فرهنگی و دینی «کشورهای غیر غربی» مورد انتقاد قرار داده‌اند. به عنوان مثال، ۹ سال قبل از تصویب اعلامیه اسلامی حقوق بشر، نماینده جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد،

و ملزم ساختن دولت‌ها به رعایت مفاد آن‌ها تمهید شود. در تعارض و تنافی با تمام این تلاش‌های حقوق بشری، برخی کشورهای اسلامی به بهانه‌های مختلف همواره سعی می‌کنند از رعایت کامل و در برخی موارد جزئی مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر کنوانسیون‌ها و میثاق‌های بین‌المللی شانه خالی کنند. در همین راستا، اعلامیه اسلامی حقوق بشر یا اعلامیه حقوق بشر اسلامی یا اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر در اسلام، توسط سازمان کنفرانس اسلامی و با حضور بیش از سی کشور اسلامی، در ۱۴ مرداد ۱۳۶۹ برابر با ۵ اوت ۱۹۹۰ در شهر قاهره مصر به تصویب رسیده است. این اعلامیه، در جهت تبیین و تأمین «نگاه اسلامی» به مقوله حقوق بشر

# در حقوق بشر اسلامی، خدا تنها منبع قانون‌گذاری است



فیروزه رمضان زاده

اعلامیه حقوق بشر اسلامی با اعلامیه جهانی حقوق بشر چه تفاوت‌هایی دارد؟ کارکرد حقوق بشر اسلامی برای کشورهای مسلمان به چه صورت عمل می‌کند؟ آیا این اعلامیه می‌تواند حقوق اساسی و انسانی مردم را در کشورهای مسلمان تضمین کند؟ در مورد حقوق غیر مسلمانان چه تضمین‌هایی ارائه کرده است؟ حقوق ما این پرسش‌ها را با علی امینی، حقوق‌دان ساکن شهر قم، در میان گذاشته است.

امینی می‌گوید: «حقوق بشر اسلامی را اگر به عنوان یک مفهوم کلی در نظر بگیریم، مانند سایر ادیان و حتی جوامع، به صورت مدون و غیر مدون مورد شناسایی بوده و کارکردهایی داشته است. اما اگر به عنوان یک اسم خاص برای یک امر مخصوص در نظر بگیریم، مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین آن، موضوعی جدید است. ولی توجه به حقوق انسان مورد اعلام و تأکید ادیان مختلف از جمله اسلام بوده که با پیشرفت جوامع، محدوده کمی و کیفی آن از حیث مسلمان و غیر مسلمان و رعایت آن متغیر بوده است. اگر چه این حقوق از ابتدا مورد تأکید و موضوع احکام مختلف در ادیان صاحب شرایع بوده است و براساس فرهنگ و برداشت حاکم در جوامع مختلف، به خصوص جوامع قدیم، اجرای آن متفاوت بوده است. مانند جنگ‌های مذهبی و یا در مقابل آن در زمان صلح و مهادنه.»

این حقوق‌دان در مورد تفاوت‌های اعلامیه حقوق بشر اسلامی با اعلامیه جهانی حقوق بشر توضیح می‌دهد: «حقوق بشر اسلامی به عنوان یک اعلامیه در ۱۵ مرداد ۱۳۶۹ شمسی در اجلاس سران وزرای امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی توسط وزرای خارجه کشورهای اسلامی در قاهره مصر به تصویب رسید که به همین جهت اعلامیه قاهره نیز نامیده می‌شود. این اعلامیه با یک مقدمه و ۳۰ ماده با برداشت از مفاهیم و احکام اسلامی مورد اتفاق مذاهب اسلامی تدوین یافته و به حقوق انسان‌های مسلمان



و غیرمسلمان و حتی مردگان و اشیاء و گیاهان توجه داشته است که فراتر از دین و در محدوده کلیات اخلاقی نیز قرار دارد.»

اما تفاوت عمده این حقوق با حقوق بشر مصطلح، به گفته امینی، بر اساس مبنا و اصول آن است: «یعنی این که در حقوق بشر اسلامی، خدا و یگانگی او به عنوان تنها منبع تشریع و قانون‌گذاری بر خلاف مبنا قرار دادن حقوق طبیعی به صورت اختصاصی قرار دارد و به انسان نیز نه فقط به عنوان انسان بیولوژیک، بلکه بعنوان موجودی مخلوق و هدفمند و مسوول نگاه شده و احکام اسلامی نیز بر آن حکومت دارد. حال آن که در حقوق بشر می‌توان حیثیت انسان یا به عبارتی کرامت ذاتی انسان مورد

توجه خاص بوده و حق برای او مورد شناسایی قرار گرفته و بر اساس آن، حقوقی تدوین یا مورد شناسایی و حمایت قرار گرفته است.»

امینی می‌گوید در این که احکام اسلامی حقوق انسانی مانند حق حیات و معیشت و دفاع و برخی آزادی‌ها را تضمین می‌کند، تردیدی وجود ندارد. او می‌افزاید: «اگر چه در عمل و اجرا تفاوت‌ها و مشکلات و عدم رعایت حقوق موجود بوده و هست و این امر اختصاص به حقوق بشر اسلامی و غیر آن ندارد، بلکه این اعمال و افعال دولت‌ها و گاهی فرهنگ جامعه است که به حقوق افراد مسلمان و غیر مسلمان در کشورهای مختلف زیان وارد می‌سازد.»

او تأکید می‌کند: «هنگامی که از حقوق اساسی سخن

می‌گوئیم اگر منظور همان حقوق اساسی و حیاتی و انسانی انسان‌ها است که بیان شد و اگر منظور حقوق اساسی یا همان حقوق سیاسی است که این موضوع جدیدی است و با تشکیل دولت‌ها مورد توجه قرار گرفته است که در این صورت نیز این حقوق سیاسی یا اساسی نیز مانند سایر جوامع رو رشد بوده است، مانند حق انتخاب برای بانوان و مانند آن و این حقوق در کشورهای مختلف اسلامی به صورت‌های گوناگون مورد توجه است و رعایت آن نیز بستگی به هر چه مدرن‌تر بودن دولت و فرهنگ جامعه و فعالیت سیاسی در آن دارد.»

به گفته امینی، «رعایت حقوق انسانی و اساسی به معنی اصطلاحی آن نیز برای غیرمسلمانان به همین صورت

بوده است. در مناطق اسلامی قدیم و کشورهای فعلی (به عنوان دولت-کشور) نیز این حقوق بر اساس همان مبانی و شیوه‌های متفاوت و قدیم و مدرن که عرض شد مورد توجه و رعایت بد یا خوب بوده است. ولی به هر حال، در موضوع حکومت و ورود به آن، چه در گذشته و چه در حال حاضر محدودیت‌های متفاوتی برای غیر مسلمانان وجود دارد که این نیز ناشی از برداشت از دین و فرهنگ حاکم بر جامعه و تفکرات مراجع فکری جامعه است.»

امینی در پاسخ به این پرسش که آیا می‌توان حقوق بشر دینی مثل حقوق بشر یهودی یا مسیحی و غیره تدوین کرد؟ معتقد است: «این که حقوق بشر دینی داشته باشیم، به این باز می‌گردد که برداشت ما از حق و انسان چه باشد؟ اگر ما انسان را فارغ از رنگ و نژاد و دین و مذهب و ملیت و یا به عبارتی فارغ از این رنگ و بوها بدانیم و از سویی حق را به عنوان یک مفهوم کلی متساوی برای همه در نظر بگیریم، با برداشت‌هایی جدید مواجه می‌شویم که می‌توانیم آن را حقوق بشر دینی بنامیم و در چارچوب دین نیز برای اهل ادیان دارای حقوق در مذهب و مسلک خود باشیم که این بیشتر حقوق درون دینی است تا حقوق بشر و البته حقوق بشر هم مورد توجه و عنایت خواهد بود زیرا ما به برداشت و باور جدیدی از انسان و حق رسیده‌ایم.»

این حقوقدان در مورد حقوق مشابه برای کفار، بی‌خدایان و بی‌دین‌ها، چنین توضیح می‌دهد: «اگر ما انسان و حق را فقط در یک دایره محدود تعریف کنیم، طبیعتاً آن چه خواهیم داشت نه حقوق بشر بلکه حقوق دین‌داران و یا متدین‌ها خواهد بود که فاصله زیادی از حقوق بشر که ناظر بر کرامت و حیثیت ذاتی انسان‌ها است، دارد. با عنایت به این موضوع، دیگر حقی دینی برای کفار و مثلاً آتئیست‌ها و بی‌دینان وجود نخواهد داشت ولی با توجه به تفسیر از انسان و حق می‌توان حقوق انسانی را نیز برای غیر دین‌داران هم مورد شناسایی قرار داد. البته در اینجا موضوع دیگر موجب تغییر تفسیر در مورد حقوق بشر شده است و آن وجود دولت-کشور است که انسان‌ها را با یک ملیت خاص که با آن زاده شده‌اند، تعریف می‌کند و این افراد، بی‌گمان دارای حقوقی انسانی و اساسی و حتی سیاسی هستند که دولت‌های مسلمان بدون کنکاش در اصل موضوع و به عبارتی ممنوعیت تفتیش عقاید می‌توانند این حقوق را اعطا کنند و اصولاً حقوق اولیه انسانی به خصوص

در اسلام برای انسان‌ها از همان ابتدا مورد شناسایی بوده و رفتار مسلمانان و حاکمان و حتی برخی نظرات مراجع فکری جامعه را نمی‌توان به حساب احکام شرعی و خواست الهی دانست.»

امینی می‌گوید که تبعیض به خودی و غیر خودی را می‌توان در درون فرهنگ دینی تعریف نمود «ولی برخی پژوهش‌گران مسلمان بر این باور هستند و بر این موضوع استدلال می‌کنند که این تبعیض از ذاتیات دین نبوده با شناسایی حق‌ها با تعریف هوفلدی از آن و نیز بشر بدون عرضیات این بر خلاف این تبعیض استدلال می‌کنند و در واقع این تفکر ایجاد شده و با اتکاء بر حیثیت ذاتی انسان به مباحثی خاص پرداخته‌اند که در جای خود باید بحث و بررسی شود ولی حتی اگر بپذیریم که در فرهنگ درون دینی بحث خودی و غیر خودی وجود دارد، به این نکته هم باید اذعان داشت که برخی بر این گمان هستند که با تعریف حق و بشر و نگاهی الهی به آن هم می‌توان بر این باور بود که تعریف خودی و غیر خودی در ذات دین نیست و نگاه دین به بشر و حقوق او یک نگاه فرادینی هم می‌تواند باشد.»

امینی در مورد تأثیرات تصویب اعلامیه حقوق بشر اسلامی در کشورهای مسلمان می‌گوید: «در حقیقت، تصویب اعلامیه حقوق بشر اسلامی بیان منظم احکام و ایده‌های مورد اتفاق ادیان در یک اعلامیه بود که شاید بتوان هم آن را در مقابل اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین دانست و گرنه آن احکام به کاستی و فزونی در سرزمین‌های اسلامی با توجه به حکام و فرهنگ مردم اجرا می‌شده یا نادیده گرفته می‌شده است. بنابراین با وجود این احکام، نمی‌توان بدون یک بررسی دقیق و میدانی و مراجعه به آمار و ارقام اثرات و رعایت نمودن یا ننمودن آن را برداشت نمود ولی آن چه ملموس و مسلم است این است که آن احکام که بصورت مدون و مرتب‌تری در اعلامیه حقوق بشر اسلامی آمده در قوانین کشورهای مسلمان از زمانی که قانون‌گذاری داشته‌اند- وجود داشته و پیش از آن بصورت یک فرهنگ حتی اگر اجرا نمی‌شده- مورد شناخت و شناسایی و مسلم‌الصدر بوده است و فواید آن هم را می‌توان در همان قانونی شدن آن احکام که از زمان عثمانی شروع شد، ملاحظه نمود.»

## حقوق بشر اسلامی؛ امکان‌ها و پیامدها

### گفت‌وگو با گیتی پورفاضل و محمد صالح نیکبخت

دارد که: «این گفته مسئولان وقت جمهوری اسلامی که اعلامیه جهانی حقوق بشر بر پایه حقوق یهودی بنا نهاده شده در عمل، هیچ ارزشی ندارد. چرا که در حقوق یهودی نیز مانند حقوق اسلامی و احکام شرعی سایر مذاهب، ما نمی‌توانیم از برابری حقوقی میان انسان‌ها اثری ببینیم.» این وکیل دادگستری با بیان این که پایه تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر، اومانیسیم یا انسان‌گرایی است که بر حقوق طبیعی و ذاتی تمام انسان‌ها، فارغ از تفاوت‌های فرهنگی آن‌ها تأکید می‌کند اما بنیاد اصلی اعلامیه حقوق بشر اسلامی، ایدئولوژی اسلامی است، تصریح کرد: «نابرابری میان انسان‌ها از اثرات ذاتی اعلامیه حقوق بشر اسلامی است. چرا که تبعیض جنسیتی و البته اعتقادی از بنیادهای اصلی این ایدئولوژی است. در حالی که از میان رفتن نابرابری‌های حقوقی، به هر بهانه‌ای، خواه مذهب، یا نژاد و جنسیت و... از فرضیات اصلی اعلامیه جهانی حقوق بشر است.»

او همچنین معتقد است که نابرابری حقوق میان زن و مرد در کشورهای اسلامی، به دلیل حکم‌فرما بودن گفتمان حقوق بشر اسلامی است: «در بحث زنان ما شاهد هستیم که در کشور ما به آن‌ها اجازه داده نمی‌شود در مصادر مدیریتی قرار بگیرند. یا حقوق آنان در نهاد خانواده به هیچ وجه با حقوق قانونی مردان برابری نمی‌کند. این‌ها همه به خاطر این است که در فقه اسلامی میان زن و مرد و حقوق آن‌ها تبعیض‌های آشکاری وجود دارد.»

این وکیل دادگستری همچنین درباره تأثیرات عملی اعلامیه حقوق بشر اسلامی در کشورهای مسلمان تصویب کننده آن معتقد است: «با نگاهی به محتوای برنامه‌های رسانه‌های کشورهای اسلامی می‌توان فهمید، استناد آن‌ها به اعلامیه قاهره چه در جنبه‌های مثبت و چه منفی، چندان قابل توجه نیست.»

**ناتوانی اعلامیه قاهره در حاکم کردن برابری و صلح**  
صالح نیکبخت با بیان این که در کشور خود ما تقریباً به



میلاذ پورعیسی

جهان با حاکمیت میثاق‌های متعدد حقوق بشری چگونه می‌شود؟ این پرسشی است که بعد از طرح بحث اعلامیه حقوق بشر اسلامی ناخواسته به ذهن می‌آید.

همه ادیان و مذاهب، برای پیروان خود دستگامی حقوقی فراهم آورده‌اند و ادعای همه آن‌ها این است که این، کامل‌ترین سیستم حقوقی است که جامعه انسانی می‌تواند به آن دست یابد.

پس هیچ عجب نیست که همه این نظام‌های اعتقادی، با اعلان استقلال نسبت به اعلامیه جهانی حقوق بشر، مبانی فکری خود را به عنوان حقوق بشر ناب معرفی کنند. در شرایطی که می‌دانیم فرهنگ کشورهای اسلامی نسبت به آن چه آن را فرهنگ مدرن می‌خوانند متفاوت است، چرا نباید به میثاق مستقلی به نام اعلامیه حقوق بشر اسلامی فکر کرد؟

نزدیک ۳۰ سال پس از تصویب اعلامیه قاهره، جهان اسلام چه تفاوتی با پیش از آن کرده است؟

این پرسش‌ها را با محمد صالح نیکبخت، عضو انجمن حمایت از زندانیان و گیتی پورفاضل، حقوق‌دان و وکیل بسیاری از فعالان سیاسی و مدنی در میان گذاشتیم.

#### اعلامیه‌ای ایدئولوژیک و طبعاً تبعیض آمیز!

محمد صالح نیکبخت، وکیل بسیاری از فعالان مدنی ایرانی در پاسخ به پرسشی درباره تفاوت اصلی میان اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه حقوق بشر اسلامی تأکید

را پیدا می‌کنند که اولاً این دولت‌ها مشروعیت داخلی داشته باشند. این به معنای آن است که آن دولت‌ها باید در سیاست داخلی، اصول حقوق بشر را رعایت کنند. آزادی احزاب، آزادی بیان و آزادی تشکل‌ها به رسمیت شناخته شوند. احزاب سیاسی باید برای نقد قدرت سیاسی آزاد باشند.

وقتی همه این اصول در عرصه های داخلی رعایت شد، دولت می‌تواند با استفاده از مشروعیت داخلی، در عرصه جهانی هم مقبولیت یابد. در کشورهای عضو اعلامیه حقوق بشر اسلامی کمتر این نکات مورد توجه بوده است. بنابراین، تصویب اعلامیه به تنهایی نتوانست مقبولیت لازم را در عرصه بین‌المللی به دست آورد. این نکته تنها به دلیل اسلامی بودن اصول حاکم بر این متن نبود، بلکه با مقدمه ای که گفته شد به دلیل سابقه این دولت‌ها در نقض گسترده حقوق بشر روی داد.»

صالح نیکبخت، همچنین در پاسخ به پرسشی درباره تأثیرات حقوق بشر اسلامی در تقسیم شهروندان، به «خودی و غیر خودی»، با توجه به تفاوت‌هایی که در شرع اسلام، میان زن و مرد، مسلمان و غیر مسلمان و دیگر امور هست، تأکید کرد: «کشورهای اسلامی به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول، کشورهایی که دولت‌های اسلامی دارند و قوانین و رویه‌های جاری همه بر پایه شرع اسلام، تعیین می‌شوند. جمهوری اسلامی ایران، یکی از بهترین نمونه‌ها برای این دست از کشورهای اسلامی است که شورای نگهبان بر اساس قانون اساسی به رد یا تایید قوانین مصوب مجلس بر اساس شرع اسلام دست می‌زند و ولی فقیه نیز، تمام امور کشور را بر نظر دارد.

در دسته دیگر کشورهای اسلامی، تنها گفته می‌شود قوانین ما اسلامی است اما رویه‌های جاری لزوماً به شرع اسلام محدود نمی‌شود. در این کشورها خودی و غیر خودی کمتر دیده می‌شود. مثلاً ما در ایران، سه اقلیت دینی رسمی مسیحی، زرتشتی و کلیمی داریم که با محدودیت‌های بسیاری رو به رو هستیم. برای نمونه اخراج نماینده زرتشتی شورای شهر در شهر یزد با جمعیت بالای زرتشتی با دستور شورای نگهبان قانون اساسی، از جمله محدودیت‌هایی است که به «اقلیت‌های دینی» رسمی وارد شده است.

گذشته از این، ما در جمهوری اسلامی ایران، تعداد زیادی از «اقلیت‌های مذهبی» را هم داریم که آن‌ها نیز از



به میثاق‌های جهانی حقوق بشری از جمله میثاق حقوق مدنی و سیاسی اشاره می‌کنند. در حالی که اعلامیه قاهره هیچ اشاره‌ای به این اسناد حقوق بشری بین‌المللی نکرده است. این امر باعث شد تا حتی پس از تصویب اعلامیه حقوق بشر اسلامی، کوچک‌ترین تغییر مثبتی در عمل به اصول حقوق بشر در این ملل رخ ندهد.»

این وکیل دادگستری همچنین در پاسخ به پرسشی اثرات منفی تصویب اعلامیه قاهره در وضعیت حقوق بشری کشورهای اسلامی تصویب کننده آن با توجه به حق تحفظ آن‌ها در اجرای اصول حقوق بشر جهانی گفت: «در اصول بین‌الملل، واحدهای سیاسی زمانی اعتبار بین‌المللی

آن بودند، نه تنها به پیشرفتی در جهت رعایت اصول حقوق بشر نینجامید، بلکه به نقض گسترده تر آن در این کشورها منجر شد. او توضیح داد: «چون کشورهای تدوین کننده اعلامیه حقوق بشر اسلامی در زمان تصویب آن، حداقل‌هایی از حقوق بشر، حتی در اندازه‌های حقوق بشر اسلامی را رعایت نمی‌کردند، با تصویب آن اعلامیه نیز، نه تنها خود به دستوره‌های آن عمل نکردند که حتی نتوانستند توجه کشورهای دنیا را نسبت به این تحول جلب کنند.»

صالح نیکبخت ادامه داد: «معمولاً وقتی کشورهای دنیا چنین اعلامیه‌هایی را به تصویب می‌رسانند در ذیل آن

همین ترتیب بوده است، تأکید کرد: «متأسفانه مسوولان قضایی ما گاهی که از سوی نهادهای بین‌المللی در قضیه اعدام‌ها و سرکوب‌ها مورد سوال قرار می‌گیرند، به تفاوت میان حقوق بشر اسلامی و اعلامیه جهانی حقوق بشر استناد می‌کنند. بنابراین در حالی که کمتر می‌توان از اثرات مثبت اعلامیه قاهره سخن گفت، بر عکس این اعلامیه حتی دستمایه‌ای برای توجیه نقض حقوق بشر نیز بوده است.»

این وکیل دادگستری معتقد است که اعلامیه حقوق بشر اسلامی چون ساخته و پرداخته کشورهایی بود که خود از پایمال‌کنندگان مهم حقوق بشر در زمان تصویب

بسیاری از حقوق سیاسی خود محروم هستند. برای مثال، ما در طول عمر این حکومت، هیچ وقت یک استاندار اهل تسنن و یا وزیر سنی نداشته ایم. اهل سنت حتی اجازه در دست گرفتن مقامات بالای نظامی را هم ندارند. بنابراین تقسیم شهروندان به خودی و غیر خودی در کشورهای مسلمان در این دسته دوم از کشورها بسیار بیشتر از دسته اول به چشم می‌خورد.»

نکته دارای اهمیت دیگر در تدوین اسناد حقوق بشری بر پایه اندیشه‌ها و مذاهب گوناگون این است که اصولاً چنین روندی چه تاثیری بر نقض یا دفاع از حقوق بشر در کشورهای مسلمان دارد؟ محمد صالح نیکبخت که در دفاع از بسیاری متهمان اقلیت‌های دینی و قومی در جمهوری اسلامی را بر عهده داشته، در پاسخ به این پرسش می‌گوید: «بسیاری از قواعد حقوق بشری در زمان ظهور این ادیان رعایت شده است. برای نمونه مثلاً دختر پیامبر اسلام، با وجود بسیاری از مخالفت‌ها، با یک کافر ازدواج کرد.

اما در دوره‌های بعد از پیامبر اسلام، فقهای ظهور کردند که با طرح آراء متفاوت، و علیرغم این که گفته می‌شود این احکام را با استفاده از سنت پیغمبر برداشت کرده‌اند اما احکامی را تدوین کردند که به هیچ روی با تساهل مذهبی و فکری همخوانی ندارد.

موضوع این است که طرح بحث حقوق بشر اسلامی از چنین فرآیندی نشأت می‌گیرد. امروز در خانواده کدام روحانی مسلمان می‌توان ازدواج دختر را با یک «کافر» را مشاهده کرد.

در چنین شرایطی و در حالی که انگیزه اصلی از تهیه میثاق‌هایی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، کاهش ستیز میان انسان‌ها و برابری حقوقی میان آن‌هاست، نمی‌توان انتظار داشت تدوین اعلامیه‌های ایدئولوژیک مانند اعلامیه قاهره به تقویت برابری و صلح منتهی شود.»

### گیتی پورفاضل: گسترش آسیب‌های اجتماعی، نتیجه حقوق بشر اسلامی

همچنین گیتی پورفاضل، وکیل دادگستری و فعال حقوق زنان درباره دلایل روی آوردن کشورهای مسلمان به تدوین اعلامیه حقوق بشر اسلامی با بیان این که «این ناشی از ضعف تفکری است که می‌گوید چون اعلامیه جهانی حقوق بشر، نشأت گرفته از فرهنگ غرب است، پس ما

شرقی‌ها هم باید اعلامیه ای جداگانه داشته باشیم!» او تأکید می‌کند: «طرح این منطق باعث می‌شود که هر کشوری چه اسلامی و چه غیر اسلامی، به خود اجازه دهد اعلامیه مستقلی به نام حقوق بشر به تصویب برساند که روشن است این امر پذیرفته نیست.»

پورفاضل، وکیل خانواده ستار بهشتی، کارگر کشته شده در زندان‌های جمهوری اسلامی با بیان این نکته که «فقط اخلاق است که می‌توان آن را نسبی دانست اما حقوق طبیعی انسانی به هیچ وجه تابع نسبیت و تفاوت فرهنگ‌های مختلف نمی‌شود»، درباره دلایل جایگاه این دست از قوانین در کشورهای مسلمان از جمله ایران می‌گوید: «در حقوق اسلامی، برابری میان انسان‌ها از جمله برابری میان زن و مرد به رسمیت شناخته نشده و همین عامل منجر به وقوع بسیاری از مظالم و آسیب‌های اجتماعی از جمله در جامعه ایران شده است. تجربه سال‌ها دفاع از پرونده‌های زنان و اقلیت‌های مذهبی و قومی که قوانین بسیار سختگیرانه‌ای علیه آن‌ها جاری است به من می‌گوید، اکثریت مردم ما این احکام تبعیض آمیز را پذیرفته‌اند.»

پورفاضل در پاسخ به مسوولان برخی کشورهای اسلامی از جمله ایران که مدعی‌اند مردم بخاطر اعتقاد به دین اسلام، حاکمیت حقوق بشر اسلامی را در کشورهای خود پذیرفته‌اند، معتقد است: «حتی اگر فرض را هم بر این بگیریم که مردم کشورهای مسلمان، این حقوق را به رسمیت شناخته‌اند، به دلیل توسعه نیافتگی این کشورهاست. در جوامع توسعه یافته که فرهنگ و اقتصاد و سیاست آن‌ها با نیاز زمانه پیشرفت کرده، اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان میثاق حقوق ذاتی و طبیعی تمامیت بشر به عمل گذاشته شده است.»

این کارشناس حقوقی همچنین درباره آثار عملی اجرای قوانین شرعی درباره زنان در کشورهای اسلامی، گفت: «برای یک جامعه توسعه یافته، قانون تمکین زن از شوهر، عدم پذیرش حقوقی شهادت زن، نصف بودن دیه زن نسبت به مرد، احکامی نا عادلانه به شمار می‌آیند. این قانونی است که حضور اجتماعی زنان در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و علمی جامعه را با چالش رو به رو می‌سازد و یک جامعه برخوردار از فرهنگ توسعه یافته چنین چیزی را نمی‌پذیرد.»

پورفاضل همچنین درباره اثرات عملی تدوین اعلامیه‌های

حقوق بشری بر پایه اندیشه‌ها و ادیان مختلف گفت: «فرهنگ جوامع مختلف اسلامی بسیار متنوع است. در حالی که مثلاً تا چند سال پیش در عربستان، زنان از اسناد هویتی محروم بودند، ما کشور تونس را هم داریم که یکی از مدرن‌ترین سیستم‌ها درباره زنان در آن جاری است. بنابراین، همین تنوع فرهنگی که حکام کشورهای اسلامی برای مشروعیت‌زدایی از اعلامیه جهانی حقوق بشر استفاده می‌کنند، در خود اعلامیه حقوق بشر اسلامی در نظر گرفته نشده است.»

### بیماران جنسی رها، زنان بی سرپناه

گیتی پورفاضل در ادامه گفتگو با «حقوق ما» درباره آثار اجتماعی حاکمیت حقوق بشر اسلامی در ایران متذکر شد: «در کشور ما همین حقوق بشر اسلامی، نه تنها آثار مثبتی نداشته که بسیاری از آسیب‌های اجتماعی را نیز دامن زده است. برای نمونه حق مرد برای ازدواج با چهار زن و صیغه کردن تعداد بیشتری از زنان، موجی از فساد جنسی و البته زنان بلاتکلیف رها شده در جامعه را به بار آورده است.»

این وکیل دادگستری با بیان این که باید پرسید تشکیل ۱۵ میلیون پرونده قضایی بعد از انقلاب ۵۷، به چه دلیل رخ داده است؟ ادامه داد: «این تازه در شرایطی است که در جرمی مانند کودک‌آزاری جنسی که در فقه اسلامی به نام «لواط» شناخته شده، به دلیل سنگینی بیش از اندازه حکم، برخی قضات نمی‌توانند اشد مجازات را صادر کنند. اثر طبیعی این وضع آن است که جمعیت زیادی از بیماران جنسی در خیابانها رها می‌شوند و باز همان جرایم را تکرار می‌کنند.»

### خودی و غیر خودی سازی در اسلامی سازی حقوق بشر

از سوی دیگر یکی از پرسش‌های پیش رو درباره اعلامیه حقوق بشر اسلامی، توان بالقوه این متن در ایجاد فضای «خودی و غیر خودی» میان شهروندان یک جامعه است. اگر چه در این اعلامیه تأکید شده که تنها عامل ایجاد کننده تمایز میان انسانها تقوای الهی آن‌هاست، اما کمتر کسی در تمایز میان مسلمان و غیر مسلمان در حقوق اسلامی تردید دارد.

گیتی پورفاضل در این رابطه معتقد است: «هر چند در

این اعلامیه بر احترام به حقوق افراد تأکید شده اما باید دانست «قسط» و عدالتی که اسلام از آن سخن می‌گوید همان «برابری» حاکم میان انسانها در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیست.»

او با بیان این که برای مثال در اسلام ما دو نوع کافر داریم؛ کافر ضمنی و کافر حربی، ادامه داد: «کافر ضمنی کسی است که به اصطلاح خود اسلام، اهل کتاب است. معتقدان به ادیان مسیحیت، یهودیت و زرتشتی از کافران ضمنی به شمار می‌آیند و کسانی که به این ادیان معتقد نیستند نیز کافر حربی هستند. از سوی دیگر ما می‌دانیم در اسلام، کافر نجس شمرده می‌شود. تنها همین یک حکم می‌تواند آثار عملی فراوانی در زیست فردی، اجتماعی و سیاسی مسلمان با غیر مسلمان در جامعه داشته باشد.» پورفاضل با تشریح فرقه‌ها و مذاهب متعدد موجود در میان مسلمانان، نتیجه می‌گیرد که این نکته حتی به گسترش تبعیض میان خود مسلمانان، با اتکا به دستگاه‌های فقهی متنوع میان آن‌ها نیز انجامیده است.»

او گفت: «از سوی دیگر در خود فرقه‌های اسلامی ما فرق متعدد مالکی، شافعی، حنبلی و حنفی را داریم که چهار مذهب را زیر چتر کلی دین اسلام بنا کرده‌اند. در خود مذهب شیعه هم باز ما شعیان چهار امامی، هفت امامی، دوازده امامی و زیدیه را می‌بینیم.»

این کارشناس حقوق تأکید کرد: «این نکته خود بیانگر این است که نه تنها میان مسلمان و غیر مسلمان، بلکه میان مسلمانان و سایر شهروندان، در چارچوب احکام شرعی اسلامی تفاوت‌های فراوان قائل می‌شوند.»

پورفاضل همچنین درباره تبعیض حقوقی میان پیروان سایر ادیان در کشورهای اسلامی گفت: «از سوی دیگر چون دین اسلام، خود را آخرین دین فرستاده شده برای انسان‌ها معرفی می‌کند، در کشورهای مسلمان عصر حاضر، تمام مذاهبی که انسان‌ها از پس از اسلام تا کنون، به آن ایمان آورده‌اند، مورد تکذیب حقوق اسلامی قرار می‌گیرند. به همین دلیل هم در قانون اساسی جمهوری اسلامی، غیر از ادیان پیش از اسلام، آیین‌های دیگر به رسمیت شناخته نشده است. از جمله این آیین‌ها، آیین بهائیت است که پیروان آن دقیقاً به همین دلیل از بسیاری حقوق خود، تحت لوای قوانین اسلامی بی‌بهره‌اند و در عرف این حکومت به عنوان «فرقه ضاله» معروف شده‌اند.»

## عبدالکریم لاهیجی: اعلامیه حقوق بشر اسلامی به تاریخ پیوسته است



فیروزه رمضان زاده

با وجود این که جمهوری اسلامی ایران، اعلامیه جهانی حقوق بشر را امضاء کرده است اما همواره از برتری «حقوق بشر اسلامی» دفاع و از عملکرد نهادهای بین‌المللی حقوق بشری انتقاد کرده است. با این حال، جمهوری اسلامی از حکومت‌هایی است که در طول ۳۵ سال گذشته به دلیل نقض موازین حقوق بشر همواره مورد انتقاد فعالان حقوق بشر و شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد بوده است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه اسلامی حقوق بشر چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند؟ آیا اعلامیه اسلامی حقوق بشر، در دنیای امروز، بسیط و دربرگیرنده همه انسان‌ها با هر دین و آیینی است؟ «حقوق ما» این پرسش‌ها را با عبدالکریم لاهیجی، نایب رییس فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر و رییس جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران درمیان گذاشته است.

لاهیجی معتقد است: «اعلامیه جهانی حقوق بشر که نزدیک به ۷۰ سال از عمر آن می‌گذرد، از نامش پیداست اعلامیه جهانی یعنی برای همه جهان نوشته شده و بدون این که این اعلامیه را مقید بکنند به آن بخش از جهانی که مثلاً کشورهای مسلمان در آن هستند یا مردمی هستند که به مسیحیت اعتقاد دارند یا اساساً میلیون‌ها انسانی که به هیچ دینی اعتقاد ندارند. بنابراین بدون وابستگی به یک جغرافیای خاص، به یک مذهب خاص، به یک نژاد و وابستگی قومی خاصی، این اعلامیه جهانی حقوق بشر برای همه مردم دنیا در نظر گرفته شده است.»

در سال ۱۹۴۸ سه سال پس از پایان جنگ جهانی دوم، در کورن ویرانی و فقر حاصل از این جنگ خانمانسوز، پیش‌نویس اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد تهیه و تصویب شد. این موضوعی است که رییس جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران به آن اشاره می‌کند: «همان طور که می‌دانید، درست سه سال پس از پایان جنگ



آن ایده و فکری است که باعث تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر شده است و آنچه‌ان که اشاره کردم طی هفتاد سال گذشته دنیا به اعلامیه جهانی حقوق بشر احترام و ارج گذاشته است.»

این فعال حقوق بشر به چگونگی تصویب اعلامیه حقوق بشر اسلامی اشاره می‌کند و می‌گوید: «اعلامیه حقوق بشر اسلامی یک فکری بود که در یک کنفرانس اسلامی که چند دهه پیش در قاهره برگزار می‌شد ارائه شد و تا آن جایی که من اطلاع دارم با اقبال چندانی مواجه نشده است به این دلیل که متأسفانه در غالب کشورهای مسلمان، از جمله ایران، آن‌چنان وضعیت حقوق بشر اسفناک است که اساساً خودشان را به آن صورت، شاید موظف و ملزم ندانند که بگویند مثلاً ما طبق اعلامیه حقوق بشر اسلامی

اعمالمان را تطبیق می‌کنیم.» بسیاری از کشورهای اسلامی از جمله ایران ادعا می‌کنند که برخی از موازین اعلامیه جهانی حقوق بشر با قوانین اسلامی همسان نیستند، با همین نگاه، صادق آملی لاریجانی، رییس قوه قضاییه ایران در آذرماه سال ۱۳۹۲ اعلام کرد که «ما حقوق بشر اسلامی، قصاص، اعدام و محاربه را قبول داریم.» لاهیجی با اشاره به تلاش‌های دو تن از برادران لاریجانی برای برحق نشان دادن حقوق بشر اسلامی نسبت به اعلامیه جهانی حقوق بشر تأکید می‌کند: «بلندگوهای جمهوری اسلامی و در صدر آن‌ها دو برادر لاریجانی که یکی رییس قوه قضاییه و دیگری دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضائیه است، می‌گویند «ما احکام اسلام را اجرا

جهانی دوم این اعلامیه به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. در جنگ جهانی که صبحت از میلیون‌ها کشته و قربانی بود، [در میان قربانیان] کسانی بودند که وابسته به یک مذهبی بودند یا گروه‌های نژادی و قومی که مورد پسند دولت‌ها و کشورهای آن‌ها را قربانی کرده بودند، قرار نداشتند. برای این که ما از این سوءاستفاده‌ها و سوءتفاهم‌ها چه از نظر مسائل نژادی، چه مسائل قومی و چه مسائل مذهبی و ایدئولوژیک خارج شویم این اعلامیه جهانی حقوق بشر به این صورت پیشنهاد و مطرح شده است و همان طور که گفتم از ۷۰ سال پیش تاکنون مورد استقبال مردم دنیا قرار گرفته است، بنابراین هر گونه اعلامیه دیگری که بخواهد یک قید مذهبی، قومی، نژادی، زبانی یا ملی به آن وارد کند نقض غرض و برخلاف

جهانی حقوق بشر برای نسل‌های آینده و مردم کنونی دنیا اثر بخش و مناسب‌تر است که متأسفانه همچنان قربانی انواع و اقسام تبعیض‌ها از جمله تبعیض مذهبی هستند یا این که بخواهیم حقوق بشر را اسلامی کنیم یا ایدئولوژیک کنیم یا قید دیگری بزنیم که برخلاف اصل جهانی بودن حقوق بشر است که باز اشاره می‌کنم در اعلامیه جهانی حقوق بشر، تمامی انسان‌ها بدون در نظر گرفتن ریشه‌های نژادی، قومی، مذهبی، زبانی یا ملی، حقوق برابر دارند.»

در حال حاضر آیا تنها جمهوری اسلامی از اعلامیه حقوق بشر اسلامی تبعیت می‌کند یا کشورهای دیگری هم از این اعلامیه تبعیت می‌کنند؟

لاهیجی در این زمینه معتقد است: «توجه داشته باشید که کشورهای دیگر عنوان جمهوری اسلامی ندارند به جز ایران و یکی دو تا کشور دیگر مثل افغانستان و پاکستان. همان‌طور که می‌دانید من چند روز پیش به کنفرانس جهانی ضد اعدام رفته بودم. شما نگاه کنید به ۱۰ کشوری که متأسفانه سال گذشته بیشترین اعدام‌ها در این کشورها صورت گرفته اگر دو کشور را کنار بگذارید، هشت کشور جزو کشورهای مسلمان هستند و ایران هم در صدر این کشورها قرار دارد.

در چنین وضعیتی این کشورها سعی می‌کنند که بگویند ما نظام‌ها و حکومت‌هایمان، سکولار، عرفی و مناسب با شرایط و اوضاع و احوال جهان امروز است ولی جمهوری اسلامی است که از ۳۷ سال پیش عنوان جمهوری اسلامی را قبول کرده، با این ادعا که چون جمهوری اسلامی است بنابراین بهترین رژیم برای یک کشوری مثل ایران است به این دلیل که مثلاً اکثریت جمعیتش مسلمان هستند. در کشورهای دیگر اسلامی به این صورت نیست، مثل تونس، جمهوری اسلامی تونس نیست یا مراکش، مصر و دیگر کشورهای بزرگ اسلامی، مردم مسلمان هستند ولی حکومت‌های این کشورها از اسلام برای حکومت‌شان با این توجیه که چون اسلام بهترین حکومت است استفاده نمی‌کنند، در صورتی که در جمهوری اسلامی این سوءاستفاده را انجام می‌دهند و به این دلیل هم همه گونه نقض حقوق بشر و هر گونه ظلم و ستمی که بر مردم روا می‌دارند را با توصیف اسلامی توجیه می‌کنند. این سوءاستفاده‌ای است از مذهب که حاکمان جمهوری اسلامی طی بیش از سه دهه گذشته انجام داده‌اند.»

## مواد اعلامیه حقوق بشر اسلامی

### ماده یک:

الف) بشر به طور کلی، یک خانواده است که بندگی نسبت به خداوند و فرزندی نسبت به آدم آن‌ها را گرد آورده و همه مردم در اصل شرافت انسانی و تکلیف و مسؤولیت برابرند؛ بدون هر گونه تبعیضی از لحاظ نژاد، یا رنگ یا زبان یا جنس یا اعتقاد دینی یا وابستگی سیاسی یا وضع اجتماعی و غیره. ضمناً عقیده صحیح، تنها تضمین برای رشد این شرافت از راه تکامل انسان است.

ب) همه مخلوقات به منزله عائله خداوندی هستند و محبوب‌ترین آنان نزد خدا سودمندترین آنان به هم‌نوع خود است. و هیچ احدی بر دیگری برتری ندارد مگر در تقوا و کار نیکو.

### ماده دوم:

الف) زندگی موهبتی است الهی و حقی است که برای هر انسانی تضمین شده است، و بر همه افراد و جوامع و حکومت‌ها واجب است که از این حق حمایت نموده و در مقابل هر تجاوزی علیه آن ایستادگی کنند و جایز نیست کشتن هیچ کس بدون مجوز شرعی.

ب) استفاده از وسیله‌ای که منجر به از بین بردن سرچشمه بشریت به طور کلی یا جزیی گردد، ممنوع است.

ج) پاسداری از ادامه زندگی بشریت تا هر جایی که خداوند مشیت نماید، وظیفه‌ای شرعی است.

د) حرمت جنازه انسان باید حفظ شود و بی احترامی به آن جایز نیست کما این که جایز نیست لمس کردن آن مگر با مجوز شرعی. و بر دولت است حمایت از این امر.

### ماده سوم:

الف) در صورت به‌کارگیری زور یا کشمکش‌های مسلحانه، نباید آنانی را که در آن مشارکتی نداشته‌اند همچون پیرمردان و زنان و کودکان، را کشت و هر مجروح و بیماری حق مداوا، و اسرا حق خوراک و پناهگاه و لباس دارند. و مثله کردن مقتولین ممنوع است و باید اسرا را مبادله و فیما بین خانواده‌هایی که اوضاع جنگ باعث جدایی آنان شده است، دیدارهایی به عمل آید.

ب) قطع درختان یا از بین بردن زراعت و دام‌ها یا تخریب ساختمان‌ها و مؤسسات کشور دشمن به وسیله بمباران یا

موشک باران و غیره؛ جایز نیست.

### ماده چهارم:

هر انسانی، حرمتی دارد و می‌تواند از آوازه خود در زندگی یا پس از مرگ پاسداری نماید و دولت و جامعه موظف است که از پیکر و مدفن او پاسداری کند.

### ماده پنجم:

الف) خانواده، پایه ساختار جامعه است و زناشویی اساس ایجاد آن می‌باشد، بنابراین مردان و زنان حق ازدواج دارند و هیچ قید و بندی که بر پایه نژاد یا رنگ یا قومیت باشد، نمی‌توان از این حق آنان، جلوگیری کند.

ب) جامعه و دولت موظف است موانع را از فرا راه ازدواج برداشته و راه‌های آن را آسان و از خانواده حمایت به عمل آورد.

### ماده ششم:

الف) در حیثیت انسانی، زن با مرد برابر است و به همان اندازه که زن وظایفی دارد، از حقوق نیز برخوردار است و دارای شخصیت مدنی و ذمه مالی مستقل و حق حفظ نام و نسبت خویش را دارد.

ب) بار نفقه خانواده و مسؤولیت نگهداری آن، از وظائف مرد می‌باشد.

### ماده هفتم:

الف) هر کودکی از زمان تولد، حقی بر گردن والدین خویش و جامعه و دولت در محافظت دوران طفولیت و تربیت نمودن و تأمین مادی و بهداشتی و ادبی دارد. در ضمن باید از جنین و مادر نگهداری شود و مراقبت‌های ویژه نسبت به آنها مبذول شود.

ب) پدران و کسانی که از نظر قانون شرع به منزله پدرانند، حق انتخاب نوع تربیتی را که برای فرزندان خود می‌خواهند با مراعات منافع و آینده آنان در پرتو ارزشهای اخلاقی و احکام شرعی دارند.

ج) بر طبق احکام شرع، فرزندان نسبت به والدین خود و اقوام نسبت به اقوام خود حقوقی بر گردن دارند.

**ماده هشتم:**

هر انسانی از لحاظ الزام و التزام، از یک شخصیت شرعی برخوردار است و اگر این شخصیت از بین رفت یا مخدوش گردید، قیم جای او را می‌گیرد.

**ماده نهم:**

الف) طلب علم یک فریضه است و آموزش یک امر واجب است بر جامعه و دولت، و بر دولت لازم است که راه‌ها و وسائل آن را فراهم نموده و متنوع بودن آن را به گونه‌ای که مصلحت جامعه را برآورد، تأمین نماید و به انسان فرصت دهد که نسبت به دین اسلام و حقایق هستی معرفت حاصل کند و آن را برای خیر بشریت بکار گیرد.

ب) حق هر انسانی است که مؤسسات تربیتی و توجیهی مختلف از خانواده و مدرسه و دانشگاه گرفته تا دستگاه‌های تبلیغاتی و غیره که کوشش در جهت پرورش دینی و دنیوی انسان می‌نماید، برای تربیت کامل و متوازن او تلاش کنند و شخصیتش را پرورش دهند به گونه ای که ایمانش به خدا و احترامش به حقوق و وظایف و حمایت از آن فراهم شود.

**ماده دهم:**

اسلام دین فطرت است، و بکار گرفتن هر گونه اکراه نسبت به انسان یا بهره‌برداری از فقر یا جهل انسان جهت تغییر این دین به دینی دیگر یا به الحاد، جایز نمی‌باشد.

**ماده یازدهم:**

الف ) انسان آزاد متولد می‌شود و هیچ احدی حق به بردگی کشیدن یا دلیل کردن یا مقهور کردن یا بهره کشیدن یا به بندگی کشیدن او را ندارد، مگر خدای تعالی.

ب) استعمار به انواع گوناگونش و به اعتبار این که بدترین نوع بردگی است، شدیداً تحریم می‌شود و ملت‌هایی که از آن رنج می‌کشند حق دارند از آن رهایی یافته و سرنوشت خویش را تعیین کنند. همه دول و ملل نیز موظفانند از این گروه در مبارزه علیه نابودی هر استعمار و اشغال یاری نمایند. همه ملت‌ها نیز حق حفظ شخصیت مستقل و سلطه خود بر منابع و ثروت‌های طبیعی را دارند.

**ماده دوازدهم:**

هر انسانی بر طبق شریعت حق انتقال و انتخاب مکان برای اقامت در داخل یا خارج کشورش را دارد و در صورت تحت ظلم قرار گرفتن می‌تواند به کشور دیگری پناهنده شود. و بر آن کشور پناه دهنده واجب است که با او مدارا کند، تا

این که پناهگاهی برایش فراهم شود. با این شرط که علت پناهندگی به خاطر ارتکاب جرم طبق نظر شرع نباشد.

**ماده سیزدهم:**

کار، حقی است که باید دولت و جامعه برای هر کسی که قادر به انجام آن است ، تضمین کند. و هر انسانی آزادی انتخاب کار شایسته را دارد به گونه‌ای که هم مصلحت خود وهم مصلحت جامعه بر آورده شود. هر کارگری حق دارد از امنیت و سلامت و دیگر تأمین‌های اجتماعی برخوردار باشد و نباید او را به کاری که توانش را ندارد واداشت یا او را به کاری اکراه نمود یا از او بهره کشی کرد یا به او زیان رساند؛ و هر کارگری بدون فرق میان مرد و زن، حق دارد که مزد عادلانه در مقابل کاری که ارائه می‌کند سریعاً دریافت نماید و نیز حق استفاده از مرخصی‌ها و پاداش‌ها و ترفیعات استحقاقی را دارد  و در عین حال موظف است که در کار خود اخلاص و درستکاری داشته باشد و اگر کارگران با کارفرمایان اختلاف پیدا کردند دولت موظف است برای حل این اختلاف و از بین بردن ظلم و اعاده حق و پای‌بندی به عدل بدون این که به نفع طرفی عدول کند، دخالت نماید.

**ماده چهاردهم:**

انسان، حق دارد کسب مشروع بکند، بدون احتکار و فریب یا زیان رساندن به خود یا دیگران. و ربا شدیداً ممنوع می‌باشد.

**ماده پانزدهم:**

الف) هر انسانی حق مالک شدن از راه‌های شرعی را دارد و می تواند از حقوق مالکیت به گونه‌ای که به خود و یا دیگران و یا جامعه ضرر نرساند، برخوردار باشد و نمی توان مالکیت را از کسی سلب کرد مگر بنابر ضرورت حفظ منافع عمومی و در مقابل پرداخت غرامت فوری و عادلانه.

ب) مصادره اموال و ضبط آن‌ها ممنوع است مگر بر طبق شرع.

**ماده شانزدهم:**

هر انسانی حق دارد از ثمره دست‌آوردهای علمی یا ادبی یا هنری یا تکنولوژیکی خود سود ببرد، و حق دارد از منافع ادبی و مالی حاصله از آن حمایت نماید ، مشروط بر این که آن دست‌آورد (اثر) مغایر با احکام شریعت نباشد.

**ماده هفدهم:**

الف) هرانسانی حق دارد که در یک محیط پاک از مفاسد

و بیماری‌های اخلاقی به گونه‌ای که بتواند در آن خود را از لحاظ معنوی بسازد، زندگی کند، جامعه و دولت موظفند این حق را برای او فراهم کنند.

ب) دولت و جامعه موظفانند که برای هر انسانی تأمین بهداشتی و اجتماعی را از طریق ایجاد مراکز عمومی مورد نیاز بر حسب امکانات موجود، فراهم نمایند.

ج) دولت مکلف است حق هر انسانی را در زندگی شرافتمندانه‌ای که بتواند از طریق آن مایحتاج خود و خانواده اش را برآورده سازد و شامل خوراک و پوشاک و مسکن و آموزش و درمان و سایر نیازهای اساسی می شود تضمین نماید.

**ماده هجدهم:**

الف) هر انسانی حق دارد که نسبت به جان و دین و خانواده و ناموس و مال خویش، در آسودگی زندگی کند.

ب) هر انسانی حق دارد که در امور زندگی خصوصی خود (در مسکن و خانواده و مال و ارتباطات) استقلال داشته باشد و جاسوسی یا نظارت بر او و مخدوش کردن حیثیت او جایز نیست و باید از او در مقابل هر گونه دخالت زورگویانه در این شئون حمایت شود.

ج) مسکن در هر حالی حرمت دارد و نباید بدون اجازه ساکنین آن یا به صورت غیر مشروع وارد آن شد، و نباید آن را خراب یا مصادره کرد یا ساکنینش را آواره نمود.

**ماده نوزدهم:**

الف) مردم در برابر شرع مساوی هستند. در این امر حاکم و محکوم نیز با هم برابرند.

ب) مراجعه و پناه بردن به دادگاه، حقی است که برای همه تضمین شده است.

ج) مسؤولیت در اصل شخصی است.

د) هیچ جرمی یا مجازاتی نیست مگر به موجب احکام شریعت.

ه) متهم، بی گناه است تا این که محکومیتش از راه محاکمه عادلانه‌ای که همه تضمین‌ها برای دفاع از او فراهم باشد ثابت گردد.

**ماده بیستم:**

دستگیری یا محدود ساختن آزادی یا تبعید، یا مجازات هر انسانی جایز نیست مگر به مقتضای شرع. و نباید او را شکنجه بدنی یا روحی کرد یا با او به گونه ای حقارت آمیز یا سخت، یا منافی حیثیت انسانی، رفتار کرد. همچنین اجبار

هر فردی برای آزمایشات پزشکی یا علمی جایز نیست مگر با رضایت وی و مشروط بر این که سلامتی و زندگی او به مخاطره نیفتد. همچنین، تدوین قوانین استثنایی که به قوه اجرائیه چنین اجازه‌ای را بدهد، نیز جایز نمی‌باشد.

**ماده بیست و یکم:**

گروگان‌گیری به هر شکل و به خاطر هر هدفی، ممنوع است.

**ماده بیست و دوم:**

الف) هر انسانی حق دارد نظر خود را به هر شکلی که مغایر با اصول شرعی نباشد آزادانه بیان دارد.

ب) هر انسانی حق دارد برای خیر و نهی از منکر بر طبق ضوابط شریعت اسلامی دعوت کند.

ج) تبلیغات یک ضرورت حیاتی برای جامعه است و سوء استفاده و سوء استعمال آن و حمله به مقدسات و کرامت انبیا یا به کارگیری هر چیزی که منجر به ایجاد اختلال در ارزشها یا متشت شدن جامعه یا زیان یا متلاشی شدن اعتقاد شود، ممنوع است.

د) برانگیختن احساسات قومی یا مذهبی و یا هر چیزی که منجر به برانگیختن هر نوع حس تبعیض نژادی گردد، جایز نیست.

**ماده بیست و سوم:**

الف) ولایت، امانتی است که استبداد یا سوء استفاده از آن شدیداً ممنوع است، زیرا حقوق اساسی از این راه تضمین می‌شود.

ب) هر انسانی حق دارد در اداره امور عمومی کشور خود به طور مستقیم یا غیر مستقیم شرکت نماید. همچنین او می تواند پست‌های عمومی را بر طبق احکام شریعت متصدی شود.

**ماده بیست و چهارم:**

کلیه حقوق و آزادی‌های مذکور در این سند، مشروط به مطابقت با احکام شریعت اسلامی است.

**ماده بیست و پنجم:**

شریعت اسلامی تنها مرجع برای تفسیر یا توضیح هر ماده از مواد این اعلامیه است.

